

564

گذرد داشت و الطیحه تو درم قلا و زعمان کرای نمی گشت از روزیام بیام الام بالام بی ملک و سلام اتاوانی
اعلام و استیغلام احوال از دور و نزدیک و حجت و دهشتیم تواند کرد و بر جای و بساطت تبع و سعاد
تیر و سلك و سلاك و سلك به همدگر می فرستند و بعضی حاج و کینه قدیم طرف و منتقات از یکدیگر
می خواهند سلطان المپا ترا از طرف نواحت پادشاهان فرمود و بصلوات موفور مخصوص گردانند
و به پیش آنکه در زمان غازان خان شخته صفاهان بود و بعد از آن بی بی از اسباب او را از حاج
فرموده مصاحب ایشان با منتقات و طرف و عراضات و محمد مجذمت قان روان کرد آن حضرت
بر تاسین ممالک و قسطنطنیه مسالک استایشها فرمود و مواد نقاد با اعتضاد مبدل گشت و نفس و زکی

دور یکی آمد راهها دور نزدیک شد و کارها در شوار آسان
و نخت در خواب بیدار و عقل مرست همتیار و لافور
زنهايات و اطوار و احكام المستحقه و الصلوة و التسليم

Süleymaniye U. Kütüphanesi
Kisn. | Reisülküttab
MUSTAFA EL
Yeni Kayıt No.
Eski Kayıt No. 620